

بخارا

شماره ۱۱۸ . خرداد- تیر ۱۳۹۶ . بیست هزار تومان

ژاله آموزگار • عبدالحسین آذرنگ • محمود آموزگار • محمد افشین وفايي • محمود اميدسالار • محمدرضا باطنی • بهروز برومند • ایرج
پارسی نژاد • نصرالله پورجوادی • محمد ترکمان • محمدرضا تقی دخت • ناصر تکمیل همایون • احمد جلیلی • مسعود حسینی پور •
بهاءالدین خرمشاهی • محمود دولت آبادی • هاشم رجبزاده • داریوش شایگان • محمدرضا شفیعی کدکنی • شیرین صوراسرافیل •
میلاد عظیمی • سیروس علی نژاد • حسین فخری • منوچهر فرادیس • جواد ماهزاده • محمود متقالچی • سیدمصطفی محقق داماد •
محمدعلی موحد • واصف باختری • ایرج هاشمی زاده و گزارش های فرهنگی، هنری و ادبی
چشم نامه رهنورد زریاب • چشم نامه دکتر بهروز برومند



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در این شماره می‌خوانید:

برگی از تاریخ موسیقی ایران زمین

۹ برگی از تاریخ موسیقی ایران زمین / محمدرضا شفیعی کدکنی

ایران باستان

۲۲ ما همه آرشیم / ژاله آموزگار

زبان‌شناسی

۲۷ نگاهی به دستور زبان‌های سنتی (۱) / محمدرضا باطنی

نشر و تمدن

۴۵ نشر و تمدن (۴) / عبدالحسین آذرنگ

نقد و نظر

۵۸ باز هم در باب شهریارنامه / محمود امیدسالار

۷۶ صورتگر شطحیات متعالی (درباره آثار بیژن صفاری) / داریوش شایگان

چشم‌نامه رهنورد زریاب

- ۸۶ سالشمار زندگانی رهنورد زریاب
- ۹۲ ادای دین به رهنورد زریاب / منوچهر فرادیس
- ۹۸ نگاهی به رمان چارگرد قلا گشتم / منوچهر فرادیس
- ۱۰۵ رهنورد زریاب و این راه رفته قصه‌های ما / آرین آرون
- ۱۱۵ یادداشتی به بهانه چاپ دوم رمان چارگرد قلا گشتم / آرین آرون
- ۱۲۳ نگاهی به رمان «شورش که...» / آرین آرون
- ۱۲۷ از نگاه دیگران (یادداشت‌هایی درباره استاد رهنورد زریاب)
- ۱۴۴ قصه بودیم / واصف باختری
- ۱۴۷ گزارش شب رهنورد زریاب / آیدین پورخامنه
- ۱۵۴ رابط بین ما و روحیه افسون زده هند / محمود دولت‌آبادی
- ۱۵۷ حامل پیام وحدت فرهنگی / نصرالله پورجوادی
- ۱۵۹ معلم و استادی خوب / سیروس علی‌نژاد
- ۱۶۲ مرهون، مدیون و بدهکار تمام نویسندگان بزرگ جهان هستم / رهنورد زریاب
- ۱۷۰ در صف آثار ریالیزم جادویی / حسین فخری
- ۱۷۴ خستگی نمی‌شناسد و توقف نمی‌کند / منوچهر فرادیس
- ۱۸۱ داستان سرنوشت هنر / جواد ماهزاده

قلم‌و‌قچه

۱۸۴ قلم‌رنجه (۳۷) / بهاء‌الدین خرمشاهی

آویزه‌ها

- ۱۹۲ آویزه‌ها (۳۸) / میلاد عظیمی
- عشق، کتاب و انتظار بر لب بحر فنا (۱۹۲) / احسان یارشاطر در گفتگو با ماندانا زندیان
- (۱۹۴) / تأملی در یک بیت از حافظ (۱۹۶) / اطلاعی تازه درباره بیت چو ایران نباشد تن
- من مباد... (۱۹۸) / پاسخ ایرج افشار به سین جیم ساواک (۲۰۱) / یادداشتی درباره بیتی از

مصیبت‌نامه عطار (۲۰۱)/ بازخوانی یک مصاحبه قدیمی با تقی‌زاده (۲۰۳)/ بانگ نی (۲۰۶)/
سعید نفیسی و کتابواره (۲۰۹)/ هفت غزل از ناصر بجه شیرازی (۲۱۱)/ درودی به بهاء‌الدین
خرم‌شاهی (۲۱۵)/ منبعی قدیمی درباره ایرج افشار (۲۱۷)

در حاشیه ایرانشناسی

۲۲۳ در حاشیه ایرانشناسی (۶)/ محمد افشین‌وفایی
نامه‌ای تازه‌یاب از محمدعلی فروغی در گلایه از دکتر مصدق (۲۲۳)/ دفاع ذکاء‌الملک
فروغی از مردم فلسطین در سمت ریاست شورای جامعه ملل (۲۳۳)/ «عارف» خواندن
حافظ از کی آغاز شد؟ (۲۳۷)/ تصحیح ناتمام و منتشرنشده دکتر ذبیح‌الله صفا از دیوان
عمیق بخاری (۲۴۰)

شاهنامه‌پژوهی

از هلاکو تا تیمور، و کهن‌ترین نسخه‌های دستنویس شاهنامه/ محمود متقالچی ۲۴۷

یادداشت‌های ادبی و تاریخی

۲۵۹ یادداشت‌های ادبی و تاریخی (۲)/ ابوالفضل خطیبی
تناقض‌گوییِ النقض درباره فردوسی و شاهنامه (۲۵۹)/ درباره مرثیه خاقانی در سوگ پسر
جوانش (۲۶۰)/ مردان بدون جانشین: داریوش آشوری (۲۶۱)/ زنان و مردان بدون جانشین:
دکتر ژاله آموزگار و دکتر احمد تفضلی (۲۶۴)/ تفسیر شاهنامه در دایره تنگ حوصله ما/ دیو
سپید سپید نیست (۲۶۶)

ادبیات

۲۶۹ زرتشت و پارسی‌ها/ جان باوکر/ محمدرضا تقی‌دخت و محبوبه ابراهیمی

تاریخ قاجار

والیگری دکتر محمدخان مصدق‌السلطنه در ایالت فارس/ ناصر تکمیل‌همایون ۲۷۸

کتابی که برای هر کتابخانه و دانش‌دوست و علاقه‌مند به ایران و فرهنگ، لازم است (۳۰۸) / سخنرانی شهید دکتر کاظم سامی در زندان قصر (۱۹ اسفند ۱۳۴۵) (۳۱۰) / در گزارش روی‌دادها، باید مستند سخن گفت (۳۱۵) / گورستان ظهیرالدوله، یا یکی از پانتئون‌های ایران (۳۱۷) / ادب مرد به از دولت اوست و نقش دکتر مصدق در پی‌ریزی بودجه‌بندی کشور برای اولین بار (۳۱۹) / کمک دولت دکتر مصدق به جمعیت «دارالتقرب بین مذاهب اسلامی» در مصر (۳۲۱) / خاطره‌ای از استاد سیدمحمد محیط طباطبائی (۳۲۳) / چه خوب می‌شد... (۳۲۵) / در ربط با خبر «اعزام گروه‌های فرهنگی و هنری جشنواره نوروزی به ۳۱ کشور جهان» (۳۲۵) / دکتر مصدق؛ به بستگان و نزدیکان خود، هیچ مقامی را اعطا نمی‌کرد (۳۲۷) / همه ما روی پلی ایستاده‌ایم که به جایی وصل نیست (۳۲۷) / دبستان و دبیرستان حافظ تهران (۳۳۱) / زنان بزرگ (۳۳۴) / پاسخی کاربردی و مثبت از زنده‌یاد توران میرهادی به یک پرسش (۳۳۹) / «مدارس پادگانی» یا مدرسه‌های تربیت‌کننده «انسان‌های وارسته» (۳۴۰)

در حواشی کتاب دو ایران

قنات قصبه گناباد، شاهنامه و اورهان پاموک (۳۴۵) / کتاب الکترونیک و فضای مجازی (۳۵۰) / کتاب و مالیات بر ارزش افزوده (۳۵۲) / کتابخانه‌های عمومی امکانی برای دسترسی شهروندان به کتاب (۳۵۵)

ورارود و یاران مهربان

جنگ وطنی، روز غلبه، روز خاطره (۳۵۹) / جنگ وطنی در نظم ورارود (۳۶۴) / چکمه، مسیحی، گالش (۳۷۳)

از چشمه خورشید

تلاشهای انساندوستانه امپراتور ژاپن (۳۸۱) / سخنرانی علمی آغاز سال نو در دربار ژاپن

(۳۸۲)/ مسابقهٔ تانکا سرانی سلطنتی (۳۸۲)/ سمینار آموزش زبان فارسی در دانشگاه‌های ژاپن (۳۸۳)/ کتاب تازه نشر شده و سخن استاد کاتسوفوجی (۳۸۴)/ اعجاز کاغذ ژاپنی (۳۸۷)/ نمونه‌ای دیگر از هنر کاغذبری (۳۸۸)/ مشاور ژاپنی تبار رئیس‌جمهور تازه آمریکا (۳۹۰)/ جشن امسال روز بارآمدگان (۳۹۱)/ تصادف ماشین یا تصادف روزگار (۳۹۲)/ یکصد و پنجاهمین سالگرد تولد ناتسومه سوسیه‌کی (۳۹۲)/ پرده‌های نقاشی یوشو کابهو (۳۹۳)/ یادی از نیستر ولادیکا (۳۹۶)/ «معجزهٔ هفت دقیقه‌ای» شرکت خدمات رُفت وروب شینکانسن (۳۹۷)/ نرخ خودکفائی غذایی ژاپن (۳۹۸)/ تلاش برای جلوگیری از کوچیدن جوانها از شهرشان (۳۹۹)/ تندیس بودایی ۱۴۰۰ ساله (۳۹۹)/ وضع زنان در ژاپن (۴۰۰)/ خبرسازترین رویدادهای ژاپن در سال ۲۰۱۶ (۴۰۲)/ «طلا»، کانجی سال ۲۰۱۶ (۴۰۴)/ از رویدادهای نادر روزگار در ژاپن (۴۰۵)/ آبرپهلوان تازه سومی (۴۰۵)

یادداشت‌های یک کتابدار

یادداشت‌های یک کتابدار (۱۵)/ یزدان منصوریان ۴۳۸
حافظه هویت می‌بخشد (۴۰۸)/ رابطهٔ پیچیده خواندن و فراموشی (۴۱۱)/ تازگی و کهنگی اطلاعات (۴۱۳)/ درمان روان با داروی رمان (۴۱۶)/ تا نگردي آشنا زين پرده رمزي نشنوي (۴۱۷)

چشم‌نامهٔ دکتر بهروز برومند

گزارش شب دکتر دکتر بهروز برومند/ آیدین پورخامنه ۴۲۱
هم معلم و هم طبیب/ سیدمصطفی محقق داماد ۴۲۷
به هر قیمتی پای حرف خود می‌ایستد/ ایرج فاضل ۴۳۰
پیشکسوتان تحول برای ما همیشه از صنف پزشکان بوده‌اند/ محمدعلی موحد ۴۳۳
دکتر بهروز برومند، دکتر بهروز برومند است/ علی نویخت حقیقی ۴۳۸
دور هم جمع شده‌ایم که ادای دین کوچکی کنیم/ احمد جلیلی ۴۴۳
همان آقا بهروز ما.../ محمد اسلامی ۴۴۵
مرد راه نیندیشد از نشیب و فراز.../ علیرضا رنجبر ۴۴۸
آشنایی من با دکتر بهروز برومند/ ایرج پارسی‌نژاد ۴۵۲
سایهٔ پرخیزتان بلند.../ پرستو فروهر ۴۵۵
پزشک انسان اخلاق/ شیرین صوراسرافیل ۴۵۸

- ۴۶۲ حکیمی که من شناختم / امید دشت گلی
- ۴۶۵ آن خوشحالیِ بزرگ‌تر... / ابراهیم گرجی
- ۴۶۹ استاد دکتر بهروز برومند، بنیان‌گذار دیالیز نوین ایران. / مهدی اذانی
- ۴۷۲ همیشه مثل پدر بودند / نصرالله قهرمانی
- ۴۷۸ دانشگاه را به درون خود آوردم / بهروز برومند

یاد و یادبود

- ۵۳۴ خجسته بی‌گناه (خاطراتی از نیم قرن دوستی با مسعود معصومی) / ایرج هاشمی‌زاده
- ۵۴۳ عکاسی پرتره در ایران (گفت‌وگو با مسعود معصومی) / علی دهباشی
- ۵۵۵ ۹ پرتره منتشر نشده از آثار مسعود معصومی

۱. قنات قصبه گناباد، شاهنامه و اورهان پاموک

زنی با موهای قرمز آخرین اثر اورهان پاموک سال گذشته به چاپ رسید و در زمان کوتاهی به شصت زبان ترجمه شد. از جمله به فارسی و مطابق رویه متعارف نادرست، چند ترجمه شتابزده از آن وارد بازار نشر شد. پاموک ساختمان داستان خود را براساس تقدیرگرایی شرقی و تراژدی رستم و سهراب بنا نهاده است، هر چند که نیم‌نگاهی نیز به افسانه اودیپ دارد و در حالی که با غبنی آشکار یاد و خاطره فردوسی را گرامی می‌دارد، تراژدی رستم و سهراب را با نتیجه افسانه اودیپ در هم می‌آمیزد و در روزگار امروزی کشور ترکیه داستانش را بازآفرینی می‌کند.

... خیلی نگذشت که باز با تصویر پدری که بر سر جنازه‌ی پسر گریه می‌کرد، یا برای بهبود حال پسر زخمی‌اش تلاش می‌کرد، مواجه شدیم. پدر رستم بود، قهرمان افسانه‌ی مردمی شاهنامه. من عاشق کتاب بودم، اما مثل همه‌ی ترک‌های مدرن، شاهنامه و رستم و سهراب را نمی‌شناختم... روزگاری روشنفکران عثمانی دست‌کم بخشی از این افسانه‌ی ملی ایرانی یا حداقل چندتا از داستان‌هایش را می‌دانستند. دویست سال پس از تلاش برای غربی شدن ترکیه، دیگر کسی در بحر این حکایت‌ها نبود... این

موضوع که فردوسی برای نوشتن این تاریخ ملی تمام عمرش را گذاشته بود خیلی من را تحت تاثیر قرار داد. شاعر فرهیخته و کتاب‌دوست ما تاریخ، افسانه‌ها و حکایت‌های قهرمانان دیگران را خوانده، در باره‌ی حکایت‌هایی که به زبان‌های دیگر یعنی عربی، اوستایی و پهلوی بودند تحقیق کرده و تمام منقبت‌های دینی و تاریخ را در هم آمیخته و افسانه‌ی بزرگ خود را خلق کرده بود. شاهنامه به نوعی دایرة‌المعارف حکایت‌های فراموش شده تمامی قهرمانان و پادشاهان بزرگ بود.

(«زنی با موهای قرمز»، اورهان پاموک، ترجمه مزده الفت ص ۱۳۸-۱۴۰)

علاوه بر آن پاموک با خلق شخصیت استاد محمود چاه‌کن مطالعاتش را در باره حرفه چاه‌کنی به نمایش می‌گذارد و برای علم بومی مرثیه‌سرایی می‌کند. آن روزها هنوز دستگاه‌های سونداژ الکتریکی رایج نبود و مکان مناسب برای حفر چاه بر اساس تجربه و علم بومی انتخاب می‌شد.

... باید به تیرگی خاک، میزان رطوبت و سیاهی‌اش توجه کنی...
قسمت‌های پست زمین، جاهایی که سرسبزی و درخت هست خاک تیره
و نمناک است. متوجه شدی...

(همان ص ۲۱)

قنات قصبه گناباد عنوان گزارشی است از شیده لالمی که در شماره نوروزی ماهنامه «شبکه آفتاب» منتشر شده است. گزارش نویسنده علاوه بر ارجاع به منابع تحقیقاتی، شرح حال یکی از شاهکارهای معماری و مهندسی جهان است و جاذبه‌های دیگری نیز برای خواندن دارد.
جان‌مایه گزارش، با توصیف تاریخ و سابقه قنات، گویی مرثیه ایرانی بر علم بومی است.

هزاران سال پیش، نیاکان ما در جای جای این میهن پهناور با اتکاء به مهندسی کم‌نقص چاره‌ای برای آبیاری این اقلیم خشک و کم آب یافته بودند. قنات قصبه گناباد «طولانی‌ترین کاریز جهان با عمیق‌ترین مادر چاه با ۳۳ کیلومتر طول و ۴۷۰ حلقه چاه، آن قدر عظمت دارد که به اعتقاد شماری از مردم گناباد اصلاً ساخته‌ی دست انسان نیست! آنها باورهایشان را به



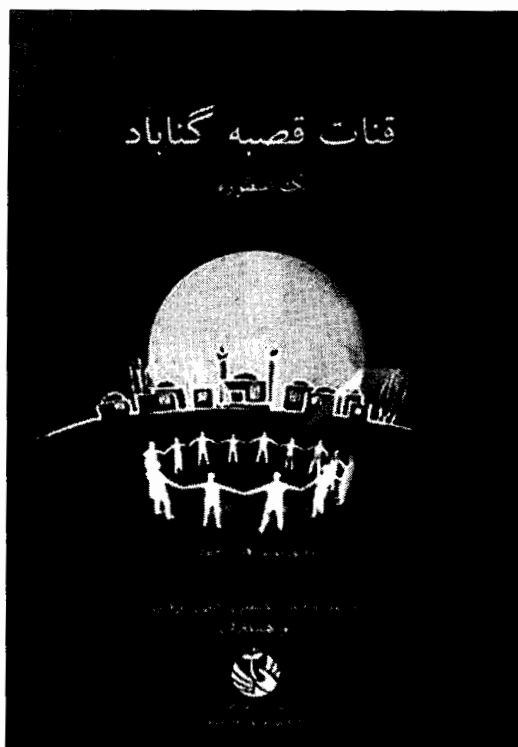
• اورهان پاموک



افسانه‌ها آمیخته‌اند... سابقه‌ای چند هزار ساله دارد که تا دوران هخامنشیان عقب می‌رود... در «شاهنامه» نامش را نوشته‌اند. مردم آن بخشی از تاریخ شهرشان را بیشتر دوست دارند که به «شاهنامه» می‌رسد...
(قنات قصبه گناباد، شیده لالمی، ماهنامه «شبکه آفتاب»، شماره ۳۶)

حفر سی و سه کیلومتر تونل در زیر زمین، برای رساندن آب هویت قناتی است که تحت عنوان قنات قصبه گناباد ثبت جهانی شده و گفته شده که هزاران انسان و چندین نسل و دریاچه زمانی حد اقل چهار صد ساله یکی از شگفت‌انگیزترین سازه‌های آبی زیرزمینی جهان را ساخته‌اند.

دالانی تنگ، نوری نیست و دیوارها همه نزدیک. هوا بوی نا می‌دهد و انگار دست‌هایی از سقف‌ها و دیوارها رشته‌های سفید نخ قلاب‌بافی آویخته‌اند. آنها ریشه‌اند، ریشه‌ی خارشترها و گون‌هایی که پاهایشان را به تمنای آب تا عمق خاک دراز کرده‌اند....



شیب قنات یک صدم درصد است و هر هزار متر یک متر شیب دارد. اگر شیب تنها کمی بیشتر از این باشد جداره‌ها خورده و باعث ریزش می‌شود و اگر کمتر باشد، آب راکد می‌ماند و رسوباتش دیوارهای قنات را تنگ می‌کنند. برای همین محاسبات دقیق است که مردم از مقنی‌های چند هزار سال پیش و حتی مقنی‌های امروز منطقه نه با نام مقنی که با عنوان مهندس قنات یاد می‌کنند.)

(همان)

راستی، پاموک که احاطه شگفت‌انگیزی بر شاهنامه دارد با خلق شخصیت استاد محمود چاه‌کن نشان نمی‌دهد که از سرنوشت «قنات قصبه گناباد» نیز آگاهی داشته است؟ شاید. چه‌بسا کتاب «قنات قصبه گناباد، یک اسطوره» حسین پاپلی یزدی را هم ملاحظه کرده باشد.

این فقط مردم ترکیه نیستند که داستان‌های شاهنامه را به دست فراموشی سپرده‌اند. اوضاع در خود کشور فردوسی نیز مطلوب نیست. برخی دلیل آن را سخت‌خوانی شاهنامه برشمرده‌اند که به نظر درست نمی‌رسد. هنوز در جای جای کشور فردوسی مردمانی هستند که با شاهنامه زندگی می‌کنند.

در سفری به استان کهگیلویه فرصت دیدار از شهرستان سی سخت فراهم شد. در همان شب، انجمن شاهنامه‌خوانی سی سخت برنامه معمولشان را داشتند و از ما نیز خواستند که در مراسمشان حضور یابیم. ۶۴ نفر از کودک ۹ ساله تا پیران ۸۰ ساله گرد هم آمده بودند. مرد و زن. فرماندار شهر نیز در بینشان نشسته بود. آموزگاری بازنشسته مدیریت جلسه را بر عهده داشت. به ترتیب یا بخش‌هایی از شاهنامه را می‌خواندند و یا یادداشتی و یا بخشی از مقاله‌ای را که در باره شاهنامه نوشته بودند. اغلب کتاب نداشتند و آن‌هایی که داشتند کتابشان کهنه و فرسوده بود. پیری با آوازی حزین صحنه نهایی نبرد رستم و سهراب را خواند. همان قسمتی که پاموک را به شدت تحت تاثیر قرار داده بود.

در پایان ضمن معرفی ما و شرح مشکلاتشان، چون فکر می‌کردند که ما پایتخت‌نشینان به راحتی به مسئولان دسترسی داریم، درخواست کتاب کردند.

۳۴۹

پس از بازگشت در دیداری با معاون فرهنگی وزارت ارشاد قصه انجمن شاهنامه‌خوانی سی سخت را تعریف کردم و اینکه کتاب ندارند. روز سیزده رجب زمانی که خیل دوستداران و خویشان پیکر پدر آقای معاون را تشییع می‌کردند، شنیدم صد دوره شاهنامه برای انجمن شاهنامه‌خوانی سی سخت ارسال شده است.

پرسش این است چه اتفاقی افتاده است که نویسندگان جوامعی که مدت‌ها پیش از ما طعم گس تجدد را چشیده‌اند بار دیگر برای پی‌ریزی داستان خود به اسطوره‌ها و کهن‌الگوها باز می‌گردند و چرا ادبیات ما همچنان محصور در کافه‌ها و آپارتمان‌هاست؟

این روزها آنچه به عنوان قصه و داستان‌های فارسی می‌شناسیم غالباً یا رنگ و بوی مدرنیته دارد یا رویای رسیدن به فرهنگی شاید فرنگی یا شاید متفاوت از آنچه در پیرامون تجربه می‌کنیم. دیگر مشاهده‌گری حرفه‌ای مانند غلامحسین ساعدی در ادبیات ما تکرار نشد که دغدغه‌ی اقوام را داشته باشد، دغدغه‌ی سنت‌هایی که در شهر و روستاهایی جز اطراف تهران و اصفهان و شیراز و دیگر دیده شده‌ها و شنیده شده‌ها اتفاق بیفتند. ساعدی سه سال در میان عشایر شاهسون زیست و به عنوان یک پزشک به خدمت آنها مشغول شد و بخش قابل توجهی از آثارش مربوط به همین دوره است. «توپ»، «پنج نمایشنامه از انقلاب مشروطیت»، «عزاداران بیل»، «خیابو



• دکتر غلامحسین ساعدی

یا مشکین شهر» و «چوب به دست های ورزیل» از آن جمله اند. اما به هر دلیلی، از مرارت های اقتصادی تا چگونگی شکل گیری مناسبات اجتماعی دیگر نویسندگان ما اینچنین قدم بر نمی دارند. نمادهای شهرهای شهر، از ایفل تا میدان سرخ روسیه خوب یا بد لابه لای سطور قصه های ما هستند اما خبری از کهن الگوهای ما نظیر رستم و سهراب یا آرش کمانگیر و شهرزاد نیست.

۲. کتاب الکترونیک و فضای مجازی

بی گمان کتاب الکترونیک، ادامه کتاب کاغذی است. رشد و توسعه تکنولوژی و مجموعه مسائل و مشکلات مبتلا به تولید کتاب کاغذی زمینه ساز پیدایش نشر الکترونیک شد. نشر الکترونیک با وقفه ای طولانی می رود که کم کم مورد توجه ناشران قرار گیرد. ولی مراعات نشدن حقوق مؤلف در کتاب های کاغذی و وضعیت غیر قابل کنترل فضای مجازی هنوز اغلب ناشران را در موقعیت بی اعتمادی به این امکان جدید قرار داده است. از سوی دیگر باید پذیرفت که گسترش فضاهای مجازی و افزایش رغبت شهروندان به استفاده از این فضاها از جمله عوامل کاهش شمارگان

کتاب‌ها، مجلات و روزنامه‌ها هستند. متأسفانه امکان فضای مجازی راه نادرستی را در پیش پای استفاده‌کنندگان قرار داده است. از اخبار جعلی گرفته تا نوشته‌ها، شعرها و نقل‌قول‌های مجعولی که به مشاهیر ادبی، سیاسی و هنری نسبت داده می‌شوند فضایی مملو از دروغ و ناراستی آفریده‌اند. دوستی اخیراً به من گفت در پژوهشی که به تازگی انجام شده است، در ارتباط با همین نقل‌قول‌های مجعول نتیجه‌گیری شده است که اگر هر دروغی ۲۰۰ بار در روز به ویژه در فضای مجازی تکرار شود، آن دروغ به حقیقت بدل خواهد شد. به این ترتیب است که مرتباً در فضای مجازی با نقل‌قول‌ها و شعرها و نوشته‌هایی از مشاهیر ادبی، هنری، سیاسی و فرهنگی و... مواجه شویم که حتی روحشان هم از آنها آگاه نیست. مطالبی که شکل و ترکیب و وزن و قافیه و جوهرشان با شخصیت مورد نظر سنخیتی ندارد. تا مدتی پیش برای سنجش صحت و سقم مطالب و یا کسب اطلاع از موضوعی به موتور جست‌وجوگر گوگل مراجعه می‌کردم.

چند روز پیش در حین ورود به کتاب‌فروشی چشمم افتاد به شعری که روی تخته‌ای نوشته بودند.

روی تخته این چنین نوشته شده بودند:

روزگaram این است:

دلخوشم با غزلی، تکه نانی، آبی، جمله کوتاهی

یا به شعر نابی و اگر باز بپرسی گویم:

دلخوشم با نفسی حبه قندی، چایی، صحبت اهل دلی

فارغ از همه‌ی دنیایی

دلخوشی‌ها کم نیست

دیده‌ها نایب‌ناست

«سهراب سپهری»

از همکارم سؤال کردم کی گفته که این شعر مال سپهری است؟

پاسخ داد از اینترنت گرفتم.

گفتم این وزن و قافیه و ادبیات فریاد می‌زند که به سپهری تعلق ندارد.

بیمناک و متعجب پرسید: جدی می‌گوئید؟

گفتم بعید است که این شعر مال سهراب باشد.

رفتم سراغ موتور جست‌وجوگر گوگل. معلوم شد که در اغلب نتایج گوگل سپهری را شاعر این سروده معرفی می‌کند. البته جست‌وجو با حوصله بیشتر بیانگر آن بود که چند نفر مختلف این نوشته را به‌عنوان دلنوشته‌های خود معرفی کرده‌اند. جست‌وجو در میان آثار معتبر و مکتوب حاکی بود که برخی قطعه‌ها از اشعار سپهری گرفته و مونتاژ شده و بقیه اختراع کس دیگری است که هنوز هویتش مشخص نیست.

هم‌زمان با این دوستی شاعر و نویسنده در پیامی این چنین نوشته!

«خاورمیانه را آفرید

از روی چشم‌های شرقی‌ات؛

پر آشوب، رنجور، خسته، زیبا

این شعر من به اسم نزار قبانی در حال انتشار در شبکه‌هاست.»

به خاطر داشته باشیم که اتکاء به موتورهای جست‌وجوگر اینترنتی روش مناسبی برای سنجش صحت و سقم مطالب نیست زیرا موتورهای جست‌وجوگر نتایجی را اعلام می‌نمایند که توسط کاربران در فضای اینترنت بارگذاری شده است و کاری به درستی یا نادرستی مطالب بارگذاری شده ندارد.

۳. کتاب و مالیات بر ارزش افزوده

مالیات بر ارزش افزوده، مطابق آنچه که در کشورهای مختلف اجرا می‌شود، مالیاتی است که از ابتدای شکل‌گیری محصول یا خدمات تا عرضه آن به مصرف‌کننده نهایی را در برمی‌گیرد و در کل دوره فوق برای یک بار و از مصرف‌کننده نهایی اخذ می‌شود. بنابراین چنانچه اشخاص حقیقی یا حقوقی که در بخش‌هایی از ابتدا تا انتهای دوره در تولید محصول یا ارائه خدمات به ید قبلی مالیات بر ارزش افزوده پرداخت می‌کنند علی‌القاعده مالیات پرداختی را از ید بعدی دریافت می‌کنند و به این ترتیب کالا یا خدمات وقتی به مصرف‌کننده نهایی عرضه می‌شود، این مصرف‌کننده نهایی است که کل مالیات بر ارزش افزوده آن کالا یا خدمت را می‌پردازد. آنچه که در روبه بین‌المللی جاری است این است که دولت‌ها متناسب با سیاست‌های خود برای کالاها و خدمات نرخ‌های جداگانه‌ای تعیین می‌کنند، مثلاً در کشور آلمان در حالی که نرخ

ردیف	شرح	مقدار	واحد	قیمت واحد (ریال)	قیمت کل (ریال)
۱	چاپ متن	۳۹	دستگاه چاپ	۲۰۰/۰۰۰	۷/۸۰۰/۰۰۰
۲	چاپ جلد	۴	دستگاه چاپ	۴۰۰/۰۰۰	۱/۶۰۰/۰۰۰
۳	زینک	۴۳	ورق	۱۶۰/۰۰۰	۶/۸۸۰/۰۰۰
۴	گلاس ۲۵۰ گرمی ۱۰۰۰۷۰	۱۲۵	ورق	۷/۰۰۰	۸۷۵/۰۰۰
۵	صحافی	۲۰	فرم	۳۰۰/۰۰۰	۶/۰۰۰/۰۰۰
۶	پسته بندی	۸۵	پسته	۱۰/۰۰۰	۸۵۰/۰۰۰
۷	سلفون	۱	فرم	۱/۵۰۰/۰۰۰	۱/۵۰۰/۰۰۰
۸	حمل و نقل (ارسال به صحافی)			۵۰۰/۰۰۰	۵۰۰/۰۰۰
۹					
۱۰					
	جمع کل			۲۶/۰۰۵/۰۰۰	
	تغییف				
	جمع کل پس از کسر تغییف			۲۶/۰۰۵/۰۰۰	
	مالیات بر ارزش افزوده			۲/۲۴۰/۴۵۰	
	مبلغ قابل پرداخت			۲۸/۲۴۵/۴۵۰	
مبلغ به حروف: بیست و هشت میلیون و سیصد و چهل و پنج هزار و چهارصد و پنجاه ریال					
امضاء خریدار			امضاء فروشنده		

• نمونه‌ای از فاکتور پرداخت ارزش افزوده از سوی ناشران به چاپخانه‌داران

برخی از اقلام مصرفی ۱۹ درصد است، خریدار کتاب فقط ۷ درصد مالیات بر ارزش افزوده می‌پردازد. به این ترتیب دولت آلمان سیاست خود را در حمایت از خریدار کتاب به این نحو به نمایش می‌گذارد. بنابراین چنانچه ایادی مختلف تولید کتاب ناگزیر از پرداخت مالیات بر ارزش افزوده به ید قبلی باشند جمع آن نباید از ۷ درصد تجاوز کند و آن هم توسط مصرف‌کننده نهایی که خریدار کتاب است پرداخت می‌شود. به عبارت دیگر تولیدکنندگان کالا و یا ارائه‌دهندگان خدمات تعهدی بابت پرداخت مالیات بر ارزش افزوده ندارند. تکلیف پرداخت مالیات بر ارزش افزوده توسط هر یک از ایادی به ید قبلی، با توجه به اینکه مالیات پرداختی از ید بعدی اخذ می‌شود و دست آخر مصرف‌کنندگان نهایی کل آن را می‌پردازند، تشریفاتی و سازوکاری است که برای اجرای موضوع در نظر گرفته شده است، درست شبیه موضوعی که تحت عنوان مالیات تکلیفی اجرا می‌شود. کارفرما صرفاً متعهد است که مالیات پیمان، موضوع تعهد پیمانکار را از مبلغ پرداختی به پیمانکار کسر و آن را به دولت بپردازد. پس از انقلاب دولت‌ها همواره نشان داده‌اند که به موضوع فرهنگ و کتاب اهمیت می‌دهند. به همین دلیل ابتدا در سال ۱۳۷۵ ناشران برای یک دوره پنج ساله

از پرداخت مالیات بر درآمد معاف شدند. سپس در اردیبهشت سال ۱۳۸۰ قانون ماده واحده معافیت مالیاتی کتابفروشان و موسسات انتشاراتی به تصویب رسید. در بهمن همان سال قانون اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم به تصویب مجلس رسید که در بند ۱ ماده ۱۳۹، چهار فعالیت انتشاراتی، مطبوعاتی، هنری و فرهنگی مشمول معافیت از پرداخت مالیات بر درآمد شدند. نام بردن از کتاب و کاغذ در بند ۵ ماده ۱۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده به عنوان کالاهای مشمول معافیت تایید دیگری مبنی بر حمایت از این حوزه است.

با این تفصیل باید دید که مالیات بر ارزش افزوده در کشور ما و به ویژه در حوزه کتاب چگونه اجرا می‌شود.

قانون مالیات بر ارزش افزوده در تاریخ ۱۳۸۷/۲/۱۷ با قید اجرا به مدت پنج سال به صورت آزمایشی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است. ماده ۳ قانون یاد شده، ارزش افزوده را چنین تعیین کرده است.

«ارزش در این قانون، تفاوت بین ارزش کالاها و خدمات عرضه شده با ارزش کالاها و خدمات خریداری یا تحصیل شده در یک دوره معین می‌باشد.»

و در ماده ۴ مقصود خود را واضح‌تر بیان می‌کند:

«عرضه کالا در این قانون، انتقال کالا از طریق هر نوع معامله است»

هر چند که در ماده ۴ مقنن از «خدمات» سخن به میان نمی‌آورد و این نقص قانون محسوب می‌شود ولی از عموم و اطلاق ماده می‌توان چنین دریافت که در جریان تولید کالا و یا عرضه خدمات هر تعداد معامله‌ای که انجام شود مشمول این قانون است و برای هر معامله باید مستقلاً مالیات بر ارزش افزوده را پرداخت. در فصل دوم قانون یاد شده به معافیت‌ها پرداخته است.

ماده ۱۲ انواع کالا و خدمات مشمول معافیت را برشمرده است، از جمله در بند ۵ ماده یاد شده، «کتاب، مطبوعات، دفاتر تحریر و انواع کاغذ چاپ، تحریر و مطبوعات» از پرداخت مالیات بر ارزش افزوده معاف قلمداد شده‌اند. قانونگذار با این تصمیم قصد حمایت از کتاب و مطبوعات را داشته است. حال ببینیم که نحوه اجرای آن چگونه است.

خریدار کاغذ خارجی از پرداخت مالیات بر ارزش افزوده معاف است. ولی تولیدکننده داخلی کاغذ ناگزیر از پرداخت مالیات بر ارزش افزوده برای اقلام مصرفی خود است. مالیاتی که نمی‌تواند آن را از خریدار کاغذ مطالبه کند.

همچنین ناشر برای چاپ کتاب و یا نشریه و روزنامه ناگزیر از پرداخت مالیات بر ارزش افزوده به چاپخانه و لیتوگرافی است، حال آنکه مالیات پرداختی را نمی‌تواند از خریدار کتاب یا مجله و روزنامه مطالبه نماید.

به این ترتیب ملاحظه می‌شود که تصمیم قانونگذار در حمایت از خریدار کتاب و مجله عقیم می‌ماند، چرا که ناشر مالیات بر ارزش افزوده پرداختی را بر هزینه‌های خود می‌افزاید و قیمت تمام شده را در قیمت فروش لحاظ می‌کند و به این ترتیب خریدار عملاً مالیات بر ارزش افزوده را نیز می‌پردازد.

مالیات و از جمله مالیات بر ارزش افزوده از موضوعات غربی و وارداتی است و مانند تمام موارد وارداتی باید به درستی سنجیده و با سازوکار بومی تطابق داده شوند. لایحه جدید مالیات بر ارزش افزوده توسط دولت به مجلس شورای اسلامی تقدیم شده است و ظاهراً تلاش‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در اعمال معافیت در کل پروسه تولید کتاب و مجله در لایحه تقدیمی مورد عنایت دولت قرار نگرفته است. لازم است که توجه نمایندگان مجلس شورای اسلامی به این موضوع جلب شود و قانونی که در این خصوص به تصویب می‌رسد از آشفتگی‌های رخ داده در این حوزه بکاهد.

۴. کتابخانه‌های عمومی امکانی برای دسترسی شهروندان به کتاب

بررسی وضعیت قیمت کتاب در اغلب کشورهای جهان حاکی از آن است که کتاب ارزان نیست. البته روش‌های گوناگونی برای کاهش قیمت برخی از انواع کتاب‌ها از قبیل قطع و کاغذ و... توسط ناشران به کار گرفته می‌شود. با این حال بسیاری از شهروندان امکان خرید کتاب را نمی‌یابند. اینجاست که کتابخانه‌های عمومی نقش به‌سزایی در ایجاد دسترسی شهروندان به کتاب و بالا رفتن سرانه مطالعه ایفاء می‌کنند. البته این موضوع منحصر به کتابخانه‌های عمومی نیست و کتابخانه‌های دانشگاهی نیز جایگاه مؤثری در تأمین نیازهای مطالعاتی و پژوهشی دانشجویان و اساتید یافته‌اند. امروزه کتابخانه‌های عمومی به یکی از اصلی‌ترین مکان‌های مراجعه مردم بدل شده‌اند. حتی قرار ملاقات‌ها و کارهای اداری خود را نیز در محل کتابخانه انجام می‌دهند. حضور در مکانی که ده‌ها و یا صدها نفر در یک سالن به مطالعه مشغولند، بی‌گمان انسان را ترغیب می‌کند که کتابی بردارد و به آن جمع بپیوندد و



• محمود آموزگار در کتابخانه عمومی شهر بوستون ایالت ماساچوست

مشغول خواندن شود. بیست و چند سال پیش در سفری به کشور سوئد، روزی در گردشی در حومه شهر اوپسالا اتفاقاً به کتابخانه محله رسیدم و کنجکاوی ام باعث شد وارد آن شوم در میان قفسه‌ها به بخشی رسیدم که حدود یکصد جلد کتاب به زبان فارسی در آن چیده شده بود. کتاب‌هایی که تنوعشان قابل ملاحظه بود از ادبیات کلاسیک تا معاصر، متون مذهبی و عناوینی در حوزه علوم انسانی. از متصدی کتابخانه علت وجود کتاب‌ها را پرسیدم و پاسخش بر تعجبم افزود. در آن محله دو خانواده مهاجر ایرانی زندگی می‌کردند که کتاب‌ها برای مطالعه آنها تهیه شده بودند و البته در ادامه گفت که تا آن لحظه هیچ کس به سراغ کتاب‌ها نیامده است ولی امیدوار بود که بالاخره روزی برای خواندن کتاب‌ها به آنجا مراجعه نمایند. در حال حاضر حدود ۳۰۰۰ واحد کتابخانه عمومی در سراسر کشور به فعالیت مشغولند و در قیاس با کتابخانه‌های عمومی به ویژه در کشورهای پیشرفته، اهمیتی صد چندان می‌یابند زیرا در حالیکه بسیاری از مناطق و شهرهای کشور فاقد کتاب‌فروشی هستند وجود کتابخانه‌ها نقش برجسته‌ای برای آنها در ایجاد دسترسی شهروندان به کتاب ایجاد می‌کند. برای رسیدن به الگوی مطلوب کتابخانه باید جاذبه‌های لازم را داشته باشد به



• نمایی دیگر از کتابخانه عمومی شهر بوستون در ایالت ماساچوست

ویژه به نیازهای مطالعاتی مراجعین پاسخ بدهد. از سالیان دور فعالیت شبکه‌ای کتابخانه‌ها امکان انتقال کتاب‌ها را به محل تقاضا فراهم کرده‌اند و با توجه به جایگاه نشر الکترونیک در بازار کتاب‌های الکترونیکی در کوتاه‌ترین زمان ممکن به دست متقاضی می‌رسد. فضا و محیط و پاسخ‌گویی به نیازهای مراجعین، کتابخانه را در زندگی اجتماعی شهروندان در جایگاه شایسته‌ای قرار می‌دهد. اولین شرط حضور در کتابخانه‌ها سکوت است و این به معنی رعایت حریم و خلوت دیگران است. کتابخانه تنها مکانی برای مطالعه نیست. محلی برای زندگی است. نه فقط از طریق ارتباط با کتاب بلکه در سلوک با دیگر کتاب‌خوانان نیز می‌توان آموخت. کتابخانه عمومی شهر بوستون نه تنها ویژگی‌های پیش‌گفته را دارد بلکه با قدمتی قریب چهارصد سال و بنای با شکوه با سقف‌های بلند و ستون‌های عظیم و نقاشی‌های زیبا روی دیوارها به موزه بازی می‌ماند که بلیط و ورودی ندارد. کسی که وارد آن‌جا می‌شود، بی‌اختیار کتابی برمی‌دارد و روی صندلی می‌نشیند و مشغول خواندن می‌شود. دوست ندارد از آن‌جا خارج شود و شاید با خود بگوید کاش می‌توانستم اینجا بیتوته کنم. برای همیشه!